

حق آموزش کودکان افغان در ایران در پرتو حقوق بین الملل

محسن عبدالهی و فروغ حیدری *

فهرست مطالب

۱. مقدمه

۲. بررسی مؤلفه‌های حق آموزش نسبت به کودکان افغانی ساکن ایران با توجه به نوع اقامت

۳. بررسی فعالیت نهادهای دولتی و غیردولتی در راستای آموزش کودکان افغان در ایران

۴. نتیجه‌گیری

۱. مقدمه

حق بر آموزش، حقی انسانی و بنیادین است که بخش مهمی از حقوق بشر معاصر را تشکیل می‌دهد. این حق که از حقوق اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود، «شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و تخصص‌های عملی از طریق آموزش کاربردی، نظیر آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد»^۱.

طبقه‌بندی این حق در چارچوب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ذیل ماده ۱۳)، تعهد دولت را^۲ نسبت به تحقق این حق آشکار می‌سازد.^۳ کمیته حقوق

* دکتر عبدالهی دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق پوهنتون شهید بهشتی هستند. ضمناً ایشان از سال ۱۳۹۲ به‌عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد مشغول هستند. خانم فروغ حیدری نیز دانشجوی حقوق عمومی دانشکده حقوق پوهنتون شهید بهشتی هستند.

۱. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، پاییز ۱۳۸۴، چاپ اول، ص. ۵۰۱.

2. Obligation to Conduct (Fulfill).

3. M. Nowak, "The Right to Education: Its Meaning, Significance and Limitations", *Netherlands Quar-*

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر کلی شماره ۱۳ خود نیز چنین یافته‌ای را تأیید نموده است.^۴

این حق در اسناد و معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای بسیاری به رسمیت شناخته شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر، اولین سند و سرمنشاء سایر اسناد حقوق بشری در رابطه با حق آموزش محسوب می‌شود. طبق ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر: «هرکسی حق دارد از تعلیم و تربیت استفاده کند، تعلیم و تربیت باید حداقل در آموزش ابتدایی و اساسی رایگان باشد، تعلیمات فنی و حرفه‌ای باید برای همه ممکن باشد، دسترسی به تعلیمات عالی به باید برای همه و بنا به شایستگی هرکس امکان‌پذیر باشد و هدف تعلیم و تربیت باید شکوفایی کامل شخصیت بشری و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. تعلیم و تربیت باید حسن تفاهم و گذشت و دوستی بین همه ملت‌ها و همه گروه‌ها از هر نژاد یا هر دین و گسترش فعالیت‌های ملل متحد را برای حفظ صلح تسهیل کند. پدر و مادر برای تعیین نوع تعلیم و تربیت فرزند خود حق اولویت دارند».^۵ این حق، پس از اعلامیه حقوق بشر، در اسناد متعدد دیگری از جمله میثاق بین‌المللی حقوق، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی،^۶ کنوانسیون منع تبعیض در آموزش،^۷ اعلامیه جهانی آموزش برای همه،^۸ کنوانسیون حقوق کودک،^۹ کنوانسیون حمایت از حقوق تمام کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها،^{۱۰} کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان،^{۱۱} و برخی دیگر از اسناد مورد تأکید قرار گرفته است.

terly of Human Rights, Vol. 9, 1991, pp. 421, 422.

4. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment 13, The right to education (Twenty-first session, 1999), U.N. Doc. E/C.12/1999/10 (1999), reprinted in *Compilation of General Comments and General Recommendations Adopted by Human Rights Treaty Bodies*, U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.6 at 70 (2003), Para. 47.

5. Universal Declaration of Human Rights, 1948, Article 26.

6. International Convention on Economic Social and Cultural Rights, 1966, Article 13.

7. Convention Against Discrimination in Education 1960, All articles.

8. Declaration on Education for All, 1990, All Articles.

9. Convention on the Rights of the Child, 1989, Articles 28 -29.

10. Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of their families, 1990, Article 30.

11. *The Convention relating to the Status of Refugees*, 1951, Article 22.

آموزش برای همه، به عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق بشر و یکی از مهم‌ترین تعهدات دولت‌ها نسبت به اتباع و شهروندانش مطرح است. در این راستا حق بر آموزش کودکان اهمیت بالایی دارد. این حق همچنین در اسناد بین‌المللی متعددی بیان شده است و اسناد متعددی به بیان اهمیت این حق برای کودکان پرداخته‌اند. نقش حیاتی آموزش و پرورش در زندگی نوین و تأثیر آن در آینده اجتماعی کودک از یک سو، و تعالی و رشد جامعه از سوی دیگر، باعث شده است که اسناد گوناگونی به ضرورت و اهمیت آموزشی برای کودکان توجه کنند. مهم‌ترین سند بین‌المللی راجع به آموزش کودکان، کنوانسیون حقوق کودک است. تا کنون ۱۹۴ دولت به عضویت این کنوانسیون درآمده‌اند و ایران نیز بدان پیوسته و مکلف به رعایت مفاد آن است.^{۱۲}

کنوانسیون حقوق کودک، دو ماده مفصل ۲۸ و ۲۹ را به موضوع آموزش کودکان اختصاص داده است. طبق این مواد، کشورهای عضو، حق کودک را برای برخورداری از آموزش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی به این حق اقدامات زیر را معمول خواهند داشت:

الف) اجباری کردن و در دسترس قرار دادن آموزش ابتدایی رایگان برای همه؛
ب) تشویق ایجاد و گسترش انواع مختلف آموزش متوسطه از جمله آموزش عمومی و حرفه‌ای، فراهم کردن و قراردادن آنها در دسترس کودکان و به عمل آوردن اقدامات مقتضی از قبیل ارائه آموزش رایگان و اعطای کمک‌های مالی در صورت نیاز؛

پ) در دسترس قراردادن آموزش عالی برای همگان؛
ت) فراهم نمودن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای و قراردادن آنها در دسترس همه کودکان؛

ث) به عمل آوردن اقداماتی جهت تشویق به حضور منظم در مدارس و کاهش موارد ترک تحصیل.

همچنین طبق این مواد، کشورهای عضو، همکاری‌های بین‌المللی را در موارد مربوط به

12. Iran ratified the Convention in 13 July 1994, see: UN Treaty Collection, Status as at : 28-11-2014, at: <https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?mtmsg_no=IV-11&chapter=4&lang=en>.

آموزش، به‌ویژه در جهت مشارکت در ریشه‌کن کردن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به دانش علمی و فنی و روش‌های نوین تدریس، تشویق و ترویج خواهند کرد.

طبق ماده ۲۹، آموزش کودک باید در راستای موارد زیر باشد:

(الف) رشد شخصیت و استعدادها و توانایی‌های جسمی و ذهنی کودک؛

(ب) افزایش احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد؛

(پ) افزایش احترام به والدین، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های موطن اصلی کودک؛

(ت) آماده‌سازی کودک برای زندگی مسئولانه در یک جامعه آزاد در پرتو مفاهیم، صلح، بردباری، برابری جنسیتی و دوستی میان تمامی مردم و ...؛

(ث) رشد احترام به محیط زیست.

علاوه بر کنوانسیون حقوق کودک، حق بر آموزش کودکان در سند چارچوب اقدام داکار: آموزش برای همه^{۱۳} نیز به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. توسعه و گسترش مواهب آموزشی در دوران کودکی به ویژه برای کودکان محروم و آسیب‌پذیر، تضمین آموزشی ابتدایی و اجباری برای همه، دسترسی کودکان به ویژه دختران و اطفال واقع در وضعیت دشوار و کودکان اقلیت‌های قومی به آموزش ابتدایی اجباری و مطلوب، از اهداف تعیین‌شده در سند داکار هستند.

همان‌طور که ذکر شد حق آموزش و به‌ویژه آموزش کودکان به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر در اسناد مهم بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. اما مسئله این تحقیق، بررسی حق آموزش کودکانی است که در موطنی غیر از موطن اصلی خود زندگی می‌کنند. کودکانی که تحت عنوان پناهنده، مهاجر قانونی یا مهاجر غیرقانونی در کشور دیگری جز کشور متبوع خود زندگی می‌کنند. این تحقیق به صورت موردی، حق آموزش کودکان افغان را در نظام داخلی ایران مورد بررسی قرار می‌دهد تا دریابد حق آموزش کودکان افغان در ایران چگونه

13. Dakar Framework for Action, Education For All: Meeting Our Collective Commitments, Adopted by the World Education Forum Dakar, Senegal, 26-28 April 2000, Para. 7.

تأمین می‌شود؛ مؤلفه‌های اساسی حق آموزش (اجباری بودن، رایگان بودن، آزادی آموزشی) در مورد این دسته از کودکان چگونه اعمال می‌شود؛ و بالاخره تعهدات و تکالیف دولت ایران نسبت به آموزش این کودکان مقیم ایران، در طول تاریخ مهاجرت افغان‌ها به ایران چگونه بوده است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، درنگی مقدماتی در مورد تاریخچه ورود افغان‌ها به ایران، تعریف کودک و شناختی کلی از نظام حقوقی ایران ضروری به نظر می‌رسد.

مهاجرت افغان‌ها، یکی از بزرگ‌ترین موج‌های مهاجرتی قرن بیستم محسوب می‌شود، به طوری که در حد فاصل سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۰، حدود ۳۰٪ از جمعیت افغانستان کشور خود را ترک کردند؛ گرچه مهاجران و پناهندگان افغان در ۷۲ کشور جهان پراکنده شده‌اند، با این حال ۹۶٪ آنها در ایران و پاکستان اقامت گزیده‌اند.^{۱۴} از دهه ۶۰ هجری شمسی و با شروع جنگ‌های داخلی در افغانستان و ظهور طالبان، سیل مهاجرت به سمت ایران بیشتر شد: بنا بر سرشماری ۱۳۹۰، حدود ۲٪ جمعیت ایران را اتباع بیگانه‌ای تشکیل می‌دهد که در مناطق مختلف ایران اسکان یافته‌اند. بر اساس نتایج این سرشماری، گرچه جمعیت مهاجر افغان در ایران ۱/۴ میلیون نفر اعلام شده است اما با لحاظ یک تا یک و نیم میلیون مهاجر غیرقانونی افغان، این آمار به حدود ۲/۵ میلیون نفر می‌رسد. بررسی توزیع استانی مهاجرین افغان نشان می‌دهد که استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان به ترتیب بالاترین جمعیت مهاجر افغان را در ایران دارا هستند.^{۱۵} در این راستا، رئیس کانون کفالت، اقامت و اشتغال ایران اظهار داشته است که در حال حاضر ۱۲۰ کشور در دنیا جمعیتی حدود ۳/۵ میلیون نفر دارند که برای اداره آنها دولت وجود دارد، این در حالی است که ما در ایران ۳/۵ میلیون تبعه خارجی داریم که در ابعاد مختلف در کشور ما تأثیرگذارند.^{۱۶}

۱۴. صادقی، رسول، سازگاری اجتماعی - جمعیتی نسل دوم مهاجران افغانستانی در ایران، پایان‌نامه دکترای جمعیت‌شناسی، ۱۳۹۰، پوهنتون تهران، ص. ۵۶.

۱۵. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، بخش مهاجرین خارجی، قابل دسترس در: www.sci.org.ir

۱۶. یک‌سوم اتباع و مهاجرین افغانستان در تهران سکونت دارند، شنبه، ۸ سنبله ۱۳۹۳، موجود در:

در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران راجع به اتباع خارجی، این اتباع به ۴ دسته تقسیم می‌شوند:^{۱۷} پناهنده، آواره، مهاجر و دارای گذرنامه.

پناهنده: به شخصی اطلاق می‌شود که به علت ترس موجب از اینکه به دلایل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقیده سیاسی تحت آزار قرار گیرد، در خارج از محل سکونت خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس نمی‌خواهد خود را تحت حمایت دولت متبوع خود قرار دهد. همچنین به شخصی اطلاق می‌شود که به علل سیاسی، مذهبی، نژادی یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی از ترس شکنجه، خود به همراه افراد خانواده‌اش که تحت تکفل او هستند، به کشور ایران پناهنده شده و درخواست پناهندگی او از سوی ایران مورد قبول واقع شده است.^{۱۸}

آواره: کسی که به دلیل وقوع جنگ داخلی یا بین‌المللی بدون تشریفات قانونی، کشور خود را ترک کرده است اما نمی‌تواند برابر کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ ژنو و ملحقات آن، بیم موجه از اذیت و آزار را به اثبات برساند.

مهاجر: کسی که متقاضی اقامت در ایران است و درخواست وی مورد قبول دولت ایران واقع شود.

دارای گذرنامه: فردی که در چارچوب قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی و با اجازه مخصوصی وارد کشور می‌شود.^{۱۹}

افغان‌های ساکن ایران نیز در این ۴ دسته از اتباع بیگانه قابل طبقه‌بندی هستند. بدین ترتیب افغان‌ها را به ۴ دسته افغان‌های پناهنده، افغان‌های مهاجر قانونی، افغان‌های آواره یا مهاجر غیرقانونی و افغان‌های دارای گذرنامه تقسیم می‌کنیم.

بر اساس آمار مرکز بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۳، ۳۰۹ هزار و ۴۵ نفر افغان در مدارس ایران تحصیل می‌کنند و طبق آمار، حدود ۸۰

<<http://afghanistan.shafaqna.com/the-news/item/36554>>

۱۷. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ماده ۱۸۰.

۱۸. آئین‌نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲، ماده اول.

19. <http://www.ostan-kd.ir/Default.aspx?TabId=97>

هزار نفر از این دانش‌آموزان در شهرستان‌های استان تهران اقامت دارند. پس از آن، استان خراسان با بیش از ۴۵ هزار نفر، بیشترین میزان محصل افغان را به خود اختصاص داده است. البته این آمار دانش‌آموزانی است که والدین آنها به صورت قانونی در ایران حضور دارند و طبق آمار غیررسمی، معادل همین تعداد، کودک افغان آماده تحصیل در ایران حضور دارد که به علت نداشتن مدارک قانونی از تحصیل باز مانده‌اند.^{۲۰}

اما در خصوص تعریف کودک، طبق ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، «کودک فرد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن قانونی کمتری تعیین شده باشد».^{۲۱} در سایر اسناد و اعلامیه‌ها، از کودک تعریفی به عمل نیامده است. طبق قوانین ایران، کودک «صغیر و طفل شرعی است که به سن بلوغ نرسیده است». این سن در دختران، ۹ سال و در پسران، ۱۵ سال قمری است.^{۲۲} با این حال تحقیق حاضر، حق «کودک» را به معنای مقرر در کنوانسیون حقوق کودک در نظر گرفته است و میزان تعهدات و تکالیف ایران نسبت به آموزش کودکان افغانی را تا قبل از ورود به پوهنتون یعنی تا سن ۱۸ سالگی بررسی می‌کند.

در حال حاضر نظام آموزشی کشور، نظام آموزشی ۶-۳-۳ است که سن ورود به دوره ۶ ساله ابتدایی، ۶ سالگی و سن ورود به دوره ۳ ساله راهنمایی، ۱۲ سالگی و سن ورود به دوره ۳ ساله متوسطه، ۱۵ سالگی تعیین شده است.^{۲۳} همچنین طبق قوانین ایران، دوره تحصیلات اجباری تا پایان دوره ابتدایی است؛ هرچند که در این خصوص، قوانین ایران ابهام دارد.^{۲۴} با این حال، با استناد به کنوانسیون حقوق کودک که هم‌اکنون جزئی از قوانین داخلی ایران است، قدر متیقن، آموزش در سطح ابتدایی، اجباری است.

و اما آموزش و تعلیم و تربیت به عنوان یک حق، در هر کشوری با سه مؤلفه اساسی

20. <http://www.ghatreh.com/news/nn21228079>

21. Convention on The Rights of the Child, Article 1.

۲۲/ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۱۴۷.

23. <http://www.sabairan.com/fa/news/44648>

۲۴. مبهم بودن آموزش اجباری و رایگان کودکان، ۲۷ آبان ۱۳۹۳، در: سایت خبری تابناک.

«اجباری بودن»، «رایگان بودن» و «آزادی آموزشی» همراه است. این سه مؤلفه تا حدی حق آموزش برای افراد را تأمین می‌کند. در ادامه با تعریف هر یک از این مؤلفه‌ها، بررسی خواهیم کرد که در ایران تا چه میزان این مؤلفه‌ها نسبت به آموزش کودکان افغانی اعمال شده است.

۲. بررسی مؤلفه‌های حق آموزش نسبت به کودکان افغانی ساکن ایران با توجه به نوع اقامت

همان‌طور که گفته شد مؤلفه‌های حق آموزش عبارتند از: اجباری بودن، رایگان بودن و آزاد بودن آموزش و پرورش که در ادامه به بررسی این مؤلفه‌ها نسبت به آموزش کودکان افغان در ایران پرداخته می‌شود.

۲. ۱. اجباری بودن آموزش^{۲۵}

اجباری بودن آموزش در اسناد بین‌المللی متعددی ذکر شده است و نقطه مشترک تمامی این اسناد به حساب می‌آید. مطابق اسناد مزبور، این حق باید دست‌کم در دوره آموزش ابتدایی، اجباری باشد.^{۲۶} در راستای اجباری بودن آموزش، نقش والدین و سرپرست قانونی کودک از یک سو، و تعهدات دولت از سویی دیگر، حائز اهمیت است؛ یعنی در وهله اول، والدین کودک باید شرایط تحصیل و آموزش را برای فرزندان خود فراهم کنند. از این‌رو، در صورتی که والدین این نقش را ایفا نکنند، دولت مکلف است که با اعمال قوانین و مقررات از قبل پیش‌بینی شده و بر حسب مورد، با اعمال مجازات مناسب شرایط تحصیل را برای کودکان تضمین کند.

۱- آموزش اجباری کودکان پناهنده افغان

مطابق ماده ۲۲ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان ۱۹۵۱، «درباره تعلیمات عمومی دول متعاقد در مورد «تحصیلات ابتدایی» نسبت به پناهندگان مانند اتباع خود رفتار می‌کنند و در مورد تحصیلات غیرابتدایی رفتاری را با پناهندگان معمول خواهند داشت که مساعد بوده و

25. Compulsory Education

۲۶. برای مثال: ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۴ کنوانسیون منع تبعیض در آموزش؛ و ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک.

در هر حال از رفتاری که نسبت به بیگانگان به طور کلی به عمل می آید، نامساعدتر نباشد».^{۲۷} از آنجا که دولت ایران از جمله کشورهایی است که به این کنوانسیون پیوسته است، پس تعهد دارد که در رابطه با تحصیلات ابتدایی پناهندگان، با پناهندگان افغان مانند اتباع خود رفتار کند و در زمینه تحصیلات غیرابتدایی نیز مکلف به برخورد مساعد با پناهندگان است.

اجباری بودن آموزش نسبت به اتباع، در اکثر کشورها در قوانین اساسی ذکر می شود اما علی رغم تصریح به حق آموزش و آموزش رایگان در قانون اساسی ایران، سخنی از اجباری بودن آموزش برای اتباع به میان نیامده است. اما اجباری بودن آموزش در قوانین و مقررات دیگری ذکر شده است.

مهم ترین قانون در زمینه اجباری کردن آموزش در ایران، قانون تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ است که پدر و مادر را مکلف می کند تا «در صورت دارا بودن تمکن مالی، شرایط تحصیل کودک را تا سن هجده سالگی فراهم بیاورند. در صورت فقدان تمکن مالی والدین، دولت چنین وظیفه ای را برعهده خواهد گرفت و در صورتی که والدین از تحصیل کودک یا نوجوان جلوگیری کنند، به جزای نقدی محکوم خواهند شد و هر گاه پس از ابلاغ حکم، پدر یا مادر یا سرپرست به تکلیف مقرر در حکم دادگاه اقدام نکنند، به حبس از ۱ تا ۳ سال و تأمین هزینه معاش و تحصیل کودک یا نوجوان خود محکوم می شود».^{۲۸} اما علی رغم این تصریح قانونی، آشکار است که «اساساً نمی توان خبری از دعاوی ثبت شده در دادگستری فی مابین والدین و نهادهای دولتی گرفت»^{۲۹} و هیچ گونه اطلاعاتی راجع به طرح دعوایی از این دست در نظام قضائی ایران موجود نیست.

پس از انقلاب نیز راجع به تکالیف دولت برای فراهم کردن آموزش و پرورش کودکان لازم التعلیم و بزرگسالان بی سواد نیز در قوانین مختلف بحث شده است. نخستین بار در قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش، زیر پوشش قرار دادن کودکان لازم التعلیم

27. The 1951 Refugee Convention, article 22.

۲۸- قانون تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، مصوب ۵۳/۴/۳۰ مجلسین شورای ملی و سنا، مواد ۳ و ۴.

۲۹ منصورى بروجنى، محمد، آموزش ابتدایی کودکان، مطالعه نظام حقوقی ایران و آمریکا در پرتو موازین حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، پوهنتون شهید بهشتی، ۱۳۹۰، ص. ۹۹.

از وظایف وزارت آموزش و پرورش خوانده شد.^{۳۰} همچنین در قانون برنامه پنجم توسعه نیز آمده است که: «دولت موظف است تمهیدات لازم را برای اجباری کردن شرکت کودکان لازم‌التعلیم در آموزش اجباری و شرکت بی‌سوادان کمتر از چهل سال در دوره‌های سوادآموزی فراهم آورد».^{۳۱} و در نهایت، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به اجباری کردن آموزش تصریح شده است. طبق این سند، دوره آموزش اجباری ۱۲ پایه تعیین می‌شود و اجباری کردن آموزش از تکالیف دولت محسوب شده اما کیفیت و ضمانت اجرایی آن مشخص نشده است. به نظر می‌رسد در این زمینه، ضوابط قانون ۱۳۵۳ همچنان بر آموزش اجباری حاکم است.^{۳۲} بنابراین با وجود اینکه دولت در راستای اجباری نمودن آموزش، فعالیت‌های ارزنده‌ای در زمینه همگانی نمودن و دسترسی به آموزش رایگان انجام داده است، اما مطابق با آمار ارائه شده از سوی وزارت آموزش و پرورش به مرکز آمار در خصوص دانش‌آموزان سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰، حدود ۶۴۶۰۷۵ نفر در این سال از تحصیل بازمانده‌اند.^{۳۳}

دولت ایران باید طبق تعهد خود به کنوانسیون مربوط به پناهندگی، مفاد قوانین و مقررات راجع به اجباری بودن آموزش ابتدایی را به‌طور یکسان نسبت به کودکان پناهنده افغان تعمیم دهد. اما از آنجا که دولت در زمینه اجباری نمودن آموزش نسبت به اتباع خود هم پایبند نیست، پس به طریق اولی نسبت به اجباری بودن آموزش کودکان افغانی نیز عملاً اقدام خاصی را انجام نمی‌دهد. در حالی که اجباری نمودن آموزش نسبت به کودکان افغانی اهمیت بیشتری دارد، چرا که توجه والدین افغانی به آموزش فرزندانشان به دلایل اقتصادی و فرهنگی پایین است و بسیاری از کودکان افغان به خاطر این بی‌توجهی از تحصیل باز می‌مانند. چنین

۳۰- قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵، مجلس شورای اسلامی ایران، ماده ۱۰، بند ۸.

۳۱- قانون برنامه پنجم ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۷۳/۹/۲۰، مجلس شورای اسلامی، تبصره ۱۶۲.

۳۲- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبه جلسه ۷۰۴، ۱۳۹۰/۱۰/۰۶، فصل سوم.

۳۳. مرکز آمار ایران، درگاه ملی آمار، آمارهای موضوعی، آموزش ۱۳۹۱، نک: <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=99&ctl=WordDetails&mid=1902&id=4309>

وضعیتی، دخالت و اجبار دولت ایران را می‌طلبد که با تدوین مقررات ویژه‌ای برای اجبار آموزش کودکان افغانی، شرایط آموزش را برای تمامی کودکان افغان فراهم آورد. چرا که در تمامی اسناد بین‌المللی از آموزش اجباری برای کودک به عنوان یک حق اساسی یاد شده است؛ صرف‌نظر از اینکه کودک از اتباع کشور متبوع است یا از اتباع کشوری دیگر.

۲- آموزش اجباری کودکان مهاجر قانونی

از نظر حقوقی، مهاجرین قانونی بیگانه محسوب می‌شوند. حقوق بین‌الملل نسبت به رفتار با بیگانگان، بیشتر معیارهای حداقلی را در نظر می‌گیرد و طبق این معیار، با بیگانگان در یک کشور باید «حداقل رفتاری شود که شایسته یک ملت متمدن باشد».^{۳۴} حقوق بیگانگان که دربردارنده حق آموزش آنها نیز می‌شود، عمدتاً در قالب حقوق بین‌الملل عرفی توسعه یافته و مستقر شده است. از این‌رو، کلیه دولت‌ها به آن ملتزم هستند. بنابراین شایسته است که دولت ایران، حداقل به اجباری بودن آموزش ابتدایی مهاجرین افغان که اقامت قانونی در ایران دارند (ولو اینکه پناهنده نباشند)، نیز مبادرت ورزد تا کودکان این مهاجرین که اکثراً به دلیل بی‌توجهی خانواده‌ها به تحصیل فرزندانشان و فرستادن آنها به کار از تحصیل باز مانده‌اند، با پی‌گیری و نظارت دولت ایران به مدرسه بروند و از حق آموزش محروم نشوند.

۳- آموزش اجباری کودکان مهاجر غیرقانونی

علی‌رغم اینکه در کنوانسیون حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها، حق آموزش برای مهاجرین و فرزندانشان اعم از قانونی و غیرقانونی به رسمیت شناخته شده است،^{۳۵} اما دولت ایران به این کنوانسیون نپیوسته است و تعهدی نسبت به آموزش این دسته از مهاجرین ندارد. به این دلیل که این کنوانسیون، حقوقی را برای مهاجرین غیرقانونی به رسمیت می‌شناسد، کشورهای زیادی بدان نپیوسته‌اند.^{۳۶} بنابراین دولت ایران خود را نسبت به اجباری نمودن

۳۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ سی و هشتم، ۱۳۸۹، ص. ۲۸۲.

۳۵. کنوانسیون حمایت از کارگران و اعضای خانواده آنها، ماده ۳.

۳۶. مصفا، نسرین، «نگرشی بر کنوانسیون بین‌المللی حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانوادگی آنها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، ص. ۷۹.

تحصیل برای آن دسته از کودکان افغانی که به صورت غیرقانونی با والدینشان در ایران ساکن هستند، مکلف نمی‌داند. هرچند همان‌طور که در ادامه این تحقیق بیان می‌شود، تسهیلاتی را برای آموزش این دسته از کودکان مهاجر فراهم می‌کند اما هیچ‌گونه تعهدی نسبت به الزام این کودکان به تحصیل ندارد. این رویکرد و اقدامات ایران برای این دسته از کودکان که بیشتر حاصل تلاش نهادهای مدنی و مردم‌نهاد است، ناشی از توجه دولت و نهادهای حمایتی به مفاد اسناد بین‌المللی است که آموزش را برای کودکان، بخصوص در دوره ابتدایی لازم می‌داند.

۲.۲. رایگان بودن آموزش^{۳۷}

یکی از اصول مهم حاکم بر آموزش، رایگان بودن آموزش برای همگان به‌ویژه برای کودکان است. رایگان بودن آموزش باعث می‌شود همگان، حتی افراد بی‌بضاعت بتوانند از این حق مهم برخوردار شوند. به رایگان بودن آموزش، در اسناد بین‌المللی متعددی تصریح شده است و نقطه مشترک تمامی این اسناد این است که آموزش و پرورش باید حداقل برای دوره ابتدایی رایگان باشد. از دلایل رایگان نمودن این دوره این است که هر شخص، در این دوره و حتی در دوره راهنمایی، حداقل دانشی را که برای امتداد زندگی فردی و اجتماعی خود نیاز دارد، کسب می‌کند.

۱- آموزش رایگان پناهندگان افغان

همان‌طور که گفته شد طبق ماده ۲۲ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان درباره تعلیمات عمومی، «دول متعهد نسبت به تحصیلات ابتدایی با پناهندگان مانند اتباع خود رفتار می‌کنند و در مورد تحصیلات غیرابتدایی رفتاری را با پناهندگان معمول خواهند داشت که مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که نسبت به بیگانگان به‌طور کلی به عمل می‌آید نامساعدتر نباشد».^{۳۸} دولت ایران در رابطه با اتباع خود، مکلف به اِعمال رایگان آموزش است.

37. Free Education

38. The 1951 Refugee Convention, Article 22.

در ایران به رایگان بودن آموزش در قانون اساسی تصریح شده است. اصل ۳۰ قانون اساسی ایران، به صراحت اعلام داشته است که: «دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». طبق این اصل، دولت مکلف است رایگان بودن را نسبت به اتباع خود اعمال کند و تکلیفی به رایگان بودن آموزش برای اتباع دیگر - از جمله بیگانگان - ندارد، اما طبق کنوانسیون راجع به وضع پناهندگی که ایران نیز بدان پیوسته و متعهد است، دولت مکلف است آموزش رایگان را در تحصیلات ابتدایی برای کودکان پناهنده افغانی نیز اعمال کند، چرا که دولت متعهد شده است نسبت به تحصیلات ابتدایی پناهندگان، مانند تحصیلات اتباع خود رفتار کند و در مورد تحصیلات غیرابتدایی پناهندگان نیز به نحوی رفتار کند که به حال آنان مساعد باشد.

اما برخورد ایران نسبت به رایگان بودن آموزش کودکان افغان در طول سال‌های گذشته رفتاری چندگانه بوده است: پس از انقلاب اسلامی ایران و در سال ۱۳۵۹، هیئت دولت به پیشنهاد وزارت کشور مصوبه‌ای را اصلاح کرد که وزارت آموزش و پرورش مجاز بود فرزندان پناهندگان را که دارای دفترچه پناهندگی و در حدود قوانین و مقررات مربوطه هستند، در مدارس کشور ثبت نام کنند. ثبت نام آنان در مدارس ایران بدون پرداخت هیچ وجهی صورت می‌گرفت و آنان می‌توانستند تحصیلات خود را تا پایان دوره دبیرستان بدون هیچ مانعی و به صورت رایگان به پایان برسانند.^{۳۹} رویه ایران در آن زمان مطابق با تعهد ایران به کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگی بود، چرا که رفتاری مانند رفتار با اتباع خود را نه تنها برای تحصیلات ابتدایی کودکان افغان اعمال می‌کرد، بلکه حتی رایگان بودن آموزش را برای تحصیلات غیرابتدایی کودکان افغان نیز اعمال می‌کرد.

با پایان جنگ افغانستان در سال ۱۳۸۳ و طرح موضوع بازگشت آوارگان و عدم تمایل بسیاری از افغان‌ها برای بازگشت به کشورشان، موضوع استفاده از امکانات رایگان تحصیل برای اتباع افغان در ایران که در حقیقت بهره‌بردن از سرمایه ملی کشور محسوب می‌شد،

۳۹. اصلاحیه مصوبه هیئت دولت درباره آموزش دانش آموزان افغانی، مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۴.

نمی‌توانست ادامه پیدا کند^{۴۰}: به همین دلیل، شورای هماهنگی اجرایی اتباع بیگانه در ۱۱ آبان ۱۳۸۳، آئین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی را در این شورا به تصویب رساند. بر مبنای این آئین‌نامه، به تحصیل رایگان اتباع افغان در کشور خاتمه داده شد. البته طبق این مصوبه، چند گروه همچنان از معافیت پرداخت شهریه بهره می‌بردند که عبارت بودند از: دانش‌آموزان افغانی که دارای دفترچه پناهندگی معتبر از نیروی انتظامی بوده یا دانش‌آموزانی که عضو درجه‌یک خانواده‌های شهدا و جانبازان جنگ تحمیلی هستند، فرزندان زنان ایرانی که با اتباع افغان ازدواج کرده و دارای پروانه زناشویی هستند یا پروانه اقامتی معتبر دارند، دانش‌آموزان ساکن مهمان شهرها، فرزندان طلاب و روحانیون دارای گذرنامه یا پروانه اقامتی معتبر و نیز فرزندان دیپلمات‌های افغان مقیم ایران. شایان ذکر است که این آئین‌نامه همچنان نیز معتبر است. همچنین در راستای آخرین تحولات صورت گرفته، با بخشنامه‌ای که در تابستان ۱۳۹۳ از سوی قائم مقام وزیر آموزش و پرورش در امور بین‌الملل به دستور ریاست جمهوری حسن روحانی صادر شده است، پناهندگان افغان و مهاجرین قانونی افغان از دادن شهریه معاف شده‌اند. بنابراین تحصیل این دو دسته از اتباع افغانی فعلاً رایگان است و این نشان‌دهنده ارزش نهادن دولت جمهوری اسلامی ایران به مقوله آموزش مهاجرین افغان در ایران است.

۲- آموزش رایگان مهاجرین قانونی

طبق مصوبه هیئت دولت در ۱۳۵۹، به پیشنهاد وزارت کشور، وزارت آموزش و پرورش مجاز بود که فرزندان آن دسته از مهاجرین افغانی را دارای پروانه اقامت معتبر هستند، در حدود قوانین و مقررات مربوطه در مدارس کشور ثبت‌نام کند. این ثبت‌نام رایگان بود و بدون هیچ‌گونه پرداختی صورت می‌گرفت. این رویه دولت ایران، عملی بیش از میزان تعهد آن به حساب می‌آمد، زیرا دولت ایران در قانون اساسی موظف به فراهم کردن تحصیل رایگان برای اتباع خود بود و برای پناهندگان نیز به موجب کنوانسیون پناهندگی ۱۹۵۱، صرفاً تکلیفش برقراری شرایط تحصیل رایگان در مقطع ابتدایی بود و هیچ تکلیفی نسبت به مهاجرین قانونی

۴۰. ویژه‌نامه تحلیلی رصد، دفتر پژوهش مؤسسه فرهنگی هنری، شماره بیست و هفتم، تابستان ۱۳۹۳. نک: www.rasad.org

افغان، برای برقراری آموزش رایگان تا مقطع دبیرستان نداشت. واقعیت این است که اعمال آموزش رایگان برای این دسته از مهاجرین در آن سال‌ها ناشی از حس انسان‌دوستی نسبت به مردمی بود که کشورشان در جنگی ویرانگر به سر می‌برد. درست به همین دلیل پس از پایان جنگ، رویه دولت ایران در زمینه آموزش رایگان افغان‌ها تغییر کرد؛ به نحوی که در سال ۱۳۸۳ با تصویب «آئین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی» به تحصیل رایگان این دسته از افراد نیز مانند پناهندگان خاتمه داده شد. البته بنا بر مصوبه هیئت دولت در سال ۱۳۸۳ مبنی بر دریافت «شهریه تحصیلی از دانش آموزان افغان» که همچنان معتبر است، شهریه تحصیلی دانش آموزان افغانی که دارای دفترچه پناهندگی معتبر از نیروی انتظامی بوده یا که دانش آموزان عضو درجه یک خانواده‌های شهدا و جانبازان جنگ تحصیلی هستند، فرزندان زنان ایرانی که با اتباع افغان ازدواج کرده و دارای پروانه زناشویی هستند یا پروانه اقامتی معتبر دارند، دانش آموزان ساکن مهمان شهرها، فرزندان طلاب و روحانیون دارای گذرنامه یا پروانه اقامتی معتبر و نیز فرزندان دیپلمات‌های افغان مقیم ایران، از پرداخت شهریه معاف هستند.^{۴۱} لازم به ذکر است که طبق جدیدترین بخشنامه قائم مقام وزیر آموزش و پرورش در امور بین‌الملل^{۴۲}، مهاجرین قانونی افغان حق دارند بدون پرداخت شهریه تحصیل کنند و از سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ دانش آموزان افغانی چه پناهنده باشند و چه مهاجر قانونی، حق دارند به صورت رایگان تحصیل کنند.^{۴۳}

۳- آموزش رایگان مهاجرین غیر قانونی

در طول تاریخ پذیرش مهاجرین افغان در ایران، به رایگان بودن تحصیل مهاجرین غیرقانونی افغان اشاره‌ای نشده است و دولت هیچ‌گاه چنین حقی را برای مهاجرین غیرقانونی افغان در نظر نگرفته است. در نتیجه، این افراد نمی‌توانند در مدارس رسمی ایران ثبت‌نام کنند. زیرا ثبت‌نام اتباع خارجی در مدارس ایران، در وهله اول نیازمند کارت اقامتی معتبر یا کارت پناهندگی

۴۱. شیوه‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، مصوب ۱۳۸۳/۹/۱۱.

۴۲. بخشنامه وزیر آموزش و پرورش در امور بین‌الملل راجع به تحصیل رایگان دانش آموزان افغانی، مصوب ۱۳۹۳/۴/۳۰.

43. <http://www.tabnak.ir/fa/news/422011/%D8%AA%D8%AD%D8%B5%DB%8C%D9%8>

است. نتیجه آنکه مهاجری که اقامت قانونی ندارد، حق ثبت نام ندارد که بخواهد متعاقب آن با پرداخت شهریه درس بخواند یا به طور رایگان تحصیل کند. بنابراین در مصوبه و آیین نامه خاصی، به رایگان بودن تحصیل کودکان مهاجرین غیرقانونی افغان اشاره نشده است؛ هر چند همان طور که در ادامه خواهد آمد، برخی نهادهای مدنی و انجمن های حمایتی به ارائه خدمات آموزشی رایگان به این گونه کودکان افغان می پردازند و یا برخی مدارس غیررسمی تحت «عنوان مدارس خودگردان» با دریافت مبلغی کم به آموزش آنها می پردازند.

هرچند رویه دولت ایران در طول پذیرش مهاجرین افغان نسبت به رایگان بودن تحصیل پناهندگان و مهاجرین افغان، رویه ای ثابت نبوده است: دولت، گاه تحصیل را برای تمامی دانش آموزان افغان، اعم از پناهنده و مهاجر قانونی، رایگان کرده و گاه آن را فقط برای دسته ای از مهاجرین رایگان کرده است، و حتی طبق بخشنامه جدید آموزش و پرورش ایران در سال ۱۳۹۳، آموزش را برای پناهندگان افغان و مهاجران قانونی در همه مقاطع رایگان ساخته است که این نشان از حسن نیت دولت جدید نسبت به اتباع مهاجر افغان دارد. رایگان نمودن تحصیل در هر مقطع حتی گامی فراتر از تعهدات دولت ایران نسبت به «کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگی» به شمار می رود؛ عملی موجه که رویکرد بشردوستانه ایران را در زمینه حقوق پناهندگان به جامعه بین المللی آشکار می سازد.

۳.۲. آزادی آموزش و پرورش^{۴۴}

آزادی آموزش عبارت از حقی است که به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی های خویش را به کار بیندازند؛ مشروط بر اینکه به دیگران آسیب یا زیانی وارد نسازند. جلوه این آزادی در سه دسته فعالیت ظاهر می شود:

۱- آزادی تأسیس مدارس: کلیه کسانی که دارای دانشنامه معتبر و صلاحیت لازم و کافی هستند، حق تأسیس مدارس و نهادهای آموزشی را دارند. البته مقامات صالح باید از پیش نسبت به صلاحیت مؤسسان اطلاع حاصل کنند.^{۴۵}

44. Freedom of Education

۴۵. صراطی، مهناز، حق آموزش در اسناد بین المللی و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، پوهنتون آزاد شیراز، زمستان ۱۳۹۲،

۲- آزادی انتخاب نوع آموزش و مؤسسه آموزشی: این آزادی به اولیاء کودکان این حق و آزادی را می دهد که بتوانند فرزندان خود را به هر مدرسه ای که مایل بوده و انتخاب کرده اند، بفرستند.

۳- آزادی تنظیم محتوای دروس: ^{۴۶} نحوه تدریس نباید به گونه ای باشد که ذهن دانش آموزان زیر فشار عقاید و گرایش های سیاسی و اجتماعی معلمان قرار گیرد. ^{۴۷} همچنین دولت باید مفاد کتب آموزشی را با بی طرفی تدوین کند تا دانش آموزان مجبور به پیروی از اندیشه ای خاص در جریان آموزش خود نباشند.

آزادی آموزش و پرورش و مصادیق آن در قانون اساسی ایران ذکر نشده است. در نتیجه، با توجه به مصوبات و آئین نامه موجود در این زمینه و همچنین رویه عملی دولت ایران در برخورد با آزادی آموزشی افغان ها، در ادامه این مؤلفه آموزشی، نسبت به افغان های ساکن ایران بررسی می شود.

۱- تأسیس مدارس

۱-۱- مدارس دولتی و غیرانتفاعی

تا سال ۱۳۸۸، مقررات خاصی وجود نداشت که اجازه تأسیس چنین مدرسی را به اتباع قانونی افغان بدهد تا اینکه در این سال، شورای عالی انقلاب فرهنگی با تصویب ماده واحده «ادامه تحصیل دانش آموزان و دانشجویان افغانی و عراقی مقیم ایران»، موضوع تأسیس مدارس غیرانتفاعی را برای آموزش اتباع خارجی پیش بینی کرد. طبق این مصوبه، صدور مجوز مدارس غیرانتفاعی برای افغان ها در صلاحیت وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت. ^{۴۸} با این حال اتباع افغان مقیم ایران به چند دلیل نمی توانند از ظرفیت این ماده واحده به طور

ص. ۱۷.

۴۶. قاضی، سید ابوالفضل، بایسته های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، شهریور ۱۳۸۵، چاپ بیست و هفتم، ص. ۱۴۹.

۴۷. همان، ص. ۱۵.

۴۸. ماده واحده «ادامه تحصیل دانش آموزان و دانشجویان عراقی و افغانی مقیم ایران»، مصوب ۱۳۸۸/۴/۳۰، جلسه ۶۴۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

کامل استفاده کنند، زیرا تأسیس مدارس غیرانتفاعی در ایران، تابع قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی ۱۳۶۷ است که بر مبنای آن مؤسسان این نوع مدارس باید حتماً تابعیت ایرانی داشته باشند،^{۴۹} بنابراین ماده واحد مذکور در عمل غیرقابل اجرا باقی مانده است.

۱-۲- مدارس خودگردان

منظور از مدارس خودگردان، مدرسی است که توسط خود مهاجرین افغان تأسیس و اداره شده است و نقش آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان را به عهده دارد. ظهور این پدیده به دهه ۶۰ شمسی باز می‌گردد که در آن زمان برای نخستین بار مدرسی در شهر مشهد، به‌طور خصوصی و بدون نظارت آموزش و پرورش ایران و با دریافت هزینه‌هایی از دانش‌آموزان افغان آغاز به کار کردند. امروزه از این مدارس که - فاقد استانداردهای مناسب آموزشی هستند - با عنوان مدارس زیرزمینی نیز یاد می‌شود. در سال‌های اخیر، فعالیت چنین مدرسی از سوی وزارت آموزش و پرورش ایران ممنوع شده است.

الف: علل تأسیس مدارس خودگردان

۱- وضعیت و شرایط کاری خانواده‌های مهاجر و دور بودن از مدارس دولتی
تعدادی از مهاجرین در مناطق حاشیه‌ای شهرها ساکن شده‌اند و فرزندان این مهاجرین، گرچه شرایط قانونی ورود به تحصیل در مدارس دولتی را دارند ولی عدم وجود مدارس دولتی در حاشیه شهرها و دور بودن از مدارس مراکز شهر، موجب محروم شدن برخی از کودکان مهاجر از تحصیل و موجب شکل‌گیری برخی مدارس خودگردان در حومه کلان‌شهرها شده است

۲- عدم تطبیق شرایط سنی و تحصیلی در مدارس دولتی ایران

تعدادی از کودکان و نوجوانان افغانستانی از نظر سنی شرایط ورود به مدارس دولتی ایران را ندارند. این افراد معمولاً سن بیشتری نسبت به دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارند و پذیرش آنها در مدارس دولتی امکان‌پذیر نیست. در برخی موارد هم، دانش‌آموزان تحصیل‌کرده افغانی که

۴۹. قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی، مصوب ۱۳۶۷/۸/۱۷، ماده ۲.

مایل به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر بوده‌اند نیز متأسفانه از عهده آزمون ورودی مدارس دولتی ایران برنیامده و مدارک آنها مورد تأیید آموزش و پرورش ایران قرار نگرفته است و این مسئله باعث شده است به اجبار به مدارس خودگردان روی بیاورند.

۳- عدم قدرت پرداخت هزینه تحصیل

بر اساس مصوبه سال ۱۳۸۳ «مبنی بر دریافت شهریه از اتباع خارجی»، برای ثبت نام از کودکان افغان در مدارس دولتی مبلغی به عنوان شهریه دریافت می شد. در نتیجه، هزینه های بالای زندگی مهاجرین باعث می شد که فرزندان از تحصیل در مدارس دولتی ایران محروم شوند. لازم به توضیح است که علاوه بر هزینه ثبت نام، چنین ثبت نامی مستلزم داشتن کارت تردد نیز بود. حال آنکه صدور کارت تردد نیز مستلزم پرداخت هزینه دیگری بود. به همین جهت اغلب خانواده های فقیر افغان ترجیح می دادند که فرزندان خود را به مدارس خودگردان بفرستند تا هم شهریه کمتری بدهند و هم از زیر بار اخذ کارت تردد و هزینه آن شانه خالی کنند.^{۵۰}

ب: سیاست دولت ایران در قبال مدارس خودگردان

برخورد ایران با مهاجرین افغان و مدارس خودگردان، تابع تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران بوده است. در ابتدای ظهور این مدارس در دهه ۶۰، واکنش مراجع دولتی نسبت به این مدارس منفی نبود و به فعالیت این مدارس به دیده اغماض نگریسته می شد. حتی در مواردی، آموزش و پرورش ایران با این مدارس همکاری می کرد. این در حالی بود که هر روز داشت به تعداد دانش آموزان مهاجر افزوده می شد.

بعد از سقوط طالبان و تشکیل دولت انتقالی در افغانستان، محدودیت مدارس خودگردان در دستور کار دولت قرار گرفت. از سال ۱۳۹۰ برخورد با این مدارس شدت گرفت و آئین نامه هایی به امور اتباع منطقه و نیروهای انتظامی و آموزش و پرورش و سایر مراکز

۵۰- «تاریخ شفاهی مدارس خودگردان مهاجران افغان در شهر اصفهان»، هفته نامه تاریخ شفاهی، شماره ۱۴۷، ۹ بهمن ۱۳۹۲،

قابل دسترسی در:

<<http://ohwm.ir/print.php?id=2101>>

آموزشی ابلاغ شد و آموزش و پرورش مهاجران در مدارس خودگردان، غیرقانونی اعلام شد. اما همچنان این مدارس در برخی شهرهای ایران به طور زیرزمینی به فعالیت مشغول هستند و تعداد زیادی از کودکان افغانی بخصوص کودکان کار افغان به این مدارس می‌روند.

ج: امکانات و نظام آموزشی مدارس خودگردان

جذب معلمان در این مدارس چندان دقیق و مطابق با ضوابط علمی نبوده و بیشتر از دانش‌آموختگان افغان که خود نیز بعضاً فارغ‌التحصیل همین مدارس هستند، استفاده می‌شود. در زمینه امکانات اولیه، نظیر میز و نیمکت نیز این مدارس با کمبودهایی روبرو هستند و مکان‌های کلاس‌ها را خانه‌های قدیمی و کوچک تشکیل می‌دهد و هیچ کمک بین‌المللی یا کمکی از سوی دولت ایران و افغانستان به این مدارس نمی‌شود. این مدارس صرفاً با دریافت هزینه از دانش‌آموزان یا در برخی موارد با کمک برخی خیریه‌های محلی به فعالیت خود ادامه می‌دهند.^{۵۱}

تنها هم دولت افغانستان مدارک این مدارس را به رسمیت می‌شناسد. تأمین کتب دانش‌آموزان و امکانات آموزشی نیز در این سال‌ها که فعالیت این مدارس غیرقانونی تلقی می‌شود، با مشکل و معضلاتی روبرو شده است. به طوری که بسیاری از این مدارس مجبور به تکثیر غیرقانونی و یا تهیه کتب دست‌دوم شده‌اند. در نهایت باید گفت که با اینکه پدیده مدارس خودگردان، علی‌رغم تمام نواقص و کمبودهای این مدارس، می‌تواند نقشی مثبت در ماندگاری بیشتر مهاجرین افغان در ایران داشته باشد، به نظر نمی‌رسد استفاده از کودکان افغان برای فشار روی والدین جهت خروج از ایران گزینه‌ای مناسب باشد.

با توجه به مطالب مذکور، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که هرچند در گذشته با تأسیس مدارس خودگردان از سوی اتباع افغانی در ایران، برخورد قانونی سختگیرانه‌ای نمی‌شد اما طبق قوانین و مقررات اخیر، تأسیس مدارس خودگردان غیرمجاز است.

۵۱. «تاریخ شفاهی مدارس خودگردان مهاجران افغان در شهر اصفهان»، پیشین.

۲- آزادی انتخاب مؤسسه آموزشی توسط والدین کودکان افغان

مدارس دولتی: والدین کودکان افغان پناهنده و والدین کودکان افغان دارای کارت اقامت و کارت تردد از حق ثبت نام فرزندانشان در مدارس دولتی ایران برخوردارند.^{۵۲} اما کودکانی که والدین آنها به صورت غیرقانونی در ایران اقامت دارند و برگ تردد ندارند، حق ثبت نام در مدارس دولتی را ندارند.

مدارس غیرانتفاعی: تحصیل کودکان مهاجرین پناهنده و مهاجرین قانونی که دارای کارت اقامت یا برگه تردد هستند، در مدارس غیرانتفاعی مجاز است و والدین این کودکان می توانند با پرداخت هزینه این مدارس فرزندان خود را ثبت نام کنند.^{۵۳}

مدارس ویژه دانش آموزان صاحب استعدادهای درخشان ایران با عنوان «سمپاد» و هنرستان‌ها: دانش آموزان افغانی از ثبت نام در این مدارس ممنوع شده اند و تنها آن دسته ای که طبق مصوبه هیئت دولت مبنی «بر دریافت شهریه تحصیلی از دانش آموزان افغان» از پرداخت شهریه معاف هستند، امکان ثبت نام در این مدارس را دارند.^{۵۴}

آن طور که بیان شد فقط والدین کودکان پناهنده و والدینی که دارای اقامت قانونی هستند از آزادی انتخاب مؤسسه، آن هم فقط در مورد مدارس دولتی و غیرانتفاعی برخوردار هستند و آن دسته از والدین که دارای مدارک اقامت نیستند، هیچ گونه حقی برای فرستادن فرزندانشان به مدارس رسمی ایران ندارند و چنین والدینی فقط می توانند در مدرسی که در قسمت بعدی و در طرح آموزش پایه می آید، فرزندان خود را ثبت نام کنند یا به صورت غیرمجاز، فرزندانشان را به مدارس خودگردانی که فعالیت آن نیز ممنوع است، بفرستند.

۳- آزادی در انتخاب محتوای کتب درسی

در ایران محتوای کتب درسی مدارس را شورای عالی آموزش و پرورش تصویب نهایی

۵۲. آئین نامه نحوه آموزش اتباع خارجی مصوب ۱۳۸۲، ماده ۱.

۵۳. همان.

۵۴. «تحصیل دانش آموزان افغان در مراکز سمپاد و هنرستان‌ها ممنوع»، جام جم آن لاین، شماره خبر: ۱۰۸۴۹۱۲۵۷۸۲، دوشنبه

۲۷ تیر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در:

<<http://www1.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100849125782>>

می‌کند^{۵۵} و در تعیین و انتخاب نوع آن، دانش‌آموزان یا والدین آنها نقشی ندارند. بنابراین دانش‌آموزان افغانی و والدین آنها نیز در انتخاب محتوای آموزشی برای فرزندانشان نقشی ندارند و این آموزش و پرورش رسمی ایران است که باید با بی‌طرفی محتوای آموزشی را تنظیم کند. درباره محتوای کتب آموزشی برای افغان‌ها در ایران باید گفت که به دلیل شباهت‌های فرهنگی، تاریخی دو کشور و زبان مشترک، محتوای کتب و برنامه درسی برای کودکان افغان، همان محتوا و کتبی است که برای دانش‌آموزان ایرانی در مدارس تدریس می‌شود. گاه در برخی مدارس، کتاب تاریخ و جغرافیای مخصوص افغانستان هم برای اتباع افغانی درس داده می‌شود ولی در سایر موارد، آنان الزاماً باید همان کتب درسی ایران را مطالعه کنند و امتحان بدهند.

۳. بررسی فعالیت نهادهای دولتی و غیردولتی در راستای آموزش کودکان افغان در ایران

از زمان مهاجرت افغان‌ها به ایران، صندوق کودکان سازمان ملل متحد، کمیساریای عالی پناهندگان در ایران و نهادهای مردمی و انجمن‌های خیریه ایرانی در راستای تأمین حقوق اجتماعی و فرهنگی افغان‌ها، نقش بسیار پُررنگی را برعهده داشته‌اند. آنها مخصوصاً در زمینه تأمین حق آموزش آوارگان افغانی، چه قانونی و چه غیرقانونی، فعالیت‌های فراوانی را انجام داده‌اند. در ادامه به معرفی برخی از مهم‌ترین این نهادها و خدمات آنها در راستای آموزش افغان‌ها پرداخته می‌شود.

۳.۱. انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده

حضور کشور ایران در منطقه پُرآشوب خاورمیانه و همسایگی با کشورهای بحران زده‌ای چون عراق و افغانستان، ایران را در دهه ۷۰ شمسی ناگزیر از میزبانی و پذیرش بیش از ۴ میلیون پناهنده و آواره از کشورهای هم‌جوار نموده است. از این‌رو از سال ۱۹۸۹ میلادی

۵۵. آئین‌نامه شورای عالی آموزش و پرورش، مصوب ۵ شهریور ماه ۱۳۴۵ کمیسیون شماره ۷ مجلس سنا و ۱۷ شهریور ماه ۱۳۴۵، ماده ۲، بند ۴.

انجمن حامی (حمایت از زنان و کودکان پناهنده)، بر اساس مأموریت و مسئولیت همه‌جانبه انسانی خود و در تلاش برای بهبود بخشیدن به وضعیت زندگی جمعیت بی‌شماری از زنان و کودکان پناهجو و پناهنده عراقی و افغان که در گوشه و کنار شهرها و روستاهای ایرانی ساکن شده بودند، به صورت رسمی وارد عرصه‌ای جدید شد و با تمرکز فعالیت‌هایش بر جامعه رو به گسترش زنان، کودکان و جوانان مهاجر و پناهنده مقیم ایران، تلاش نمود تا با ارتقاء توانایی‌های ذاتی این افراد، ظرفیت آنها را در چیره شدن بر محدودیت‌های موجود افزایش دهد تا آنها نقش شایسته‌ای در بازسازی نه تنها زندگی خود، بلکه جامعه و کشورشان ایفا کنند.

در این مسیر، نخستین قدم در راه پیشرفت زنان عبارت است از: تسهیل و تأمین امکانات آموزشی در زمینه‌های سوادآموزی، تحصیلی، بهداشت، تنظیم خانواده، مهارت‌های زندگی، آموزش‌های حرفه‌ای و افزایش مشارکت‌پذیری اجتماعی و سیاسی آنان به عنوان راهی که به رشد و توسعه آگاهی‌های فردی و اجتماعی آنها منتهی می‌گردد. از مهم‌ترین خدمات انجمن حامی در رابطه با آموزش کودکان افغان، بخصوص مهاجرین غیرقانونی افغانی که از تحصیل باز مانده‌اند، طرح آموزش پایه برای کودکان مهاجر افغان در ایران است که در ادامه به این طرح پرداخته می‌شود.^{۵۶}

طرح آموزش پایه برای کودکان مهاجر افغان در ایران: این طرح برای کودکان و زنان بازمانده از تحصیل مهاجر افغان، توسط انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده و با حمایت و پشتیبانی صندوق کودکان سازمان ملل متحد از سال ۱۳۸۷ آغاز به کار نمود.

فراهم نمودن امکان دسترسی به آموزش پایه برای کودکان بازمانده از تحصیل افغان در ایران و تحقق اهداف توسعه هزاره مبنی بر دست یافتن به حق آموزش در مقطع ابتدایی برای همگان، کمرنگ نمودن تبعیض جنسیتی در امر آموزش، و ایجاد فرصت‌های برابر از اهداف اولیه این طرح بوده است. این طرح، فعالیت‌های گسترده‌ای را در راستای توسعه توانایی‌های

آموزشی کودکان در دو کلان‌شهر تهران و مشهد طراحی کرده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود: ۱) تأسیس مراکز آموزش پایه در ۴ منطقهٔ افغان‌نشین تهران و مشهد. تأسیس مراکز در این مناطق، با توجه به تراکم جمعیت افغان‌ها بوده است که هدف از تأسیس این مدارس، برگزاری دوره‌های آموزش پایه در مقطع ابتدایی برای کودکان بازمانده از تحصیل افغان بوده است؛ ۲) برگزاری دوره‌های آموزش مهارت‌های زندگی با موضوعاتی از قبیل شیوه‌های بردباری و کنترل خشم برای دانش‌آموزان؛ ۳) آموزش مهارت‌های تدریس و اداره کردن کلاس برای آموزشگران افغان مراکز و به‌روزرسانی و کارآمد نمودن روش‌های تدریس؛ ۴) برگزاری دوره‌های آموزشی جانبی برای والدین به‌ویژه در خصوص روش‌های فرزندپروری مطلوب، و آموزش مهارت‌های ارتباط مؤثر و کارآمد با فرزندان و روش‌های برخورد بدون خشونت با آنها؛ ۵) فراهم نمودن تسهیلات سرویس رفت و برگشت خانه به مدرسه و بالعکس برای دانش‌آموزان افغان به منظور افزایش امنیت و سهولت بیشتر دانش‌آموزان.^{۵۷}

شایان ذکر است توجه ویژهٔ انجمن حامی، معطوف به نیازهای خاص جامعهٔ مهاجر افغان در ایران و تلاش برای حساس‌سازی خانواده‌های مهاجر نسبت به آموزش و پرورش فرزندان‌شان است؛ امری که به دلیل نیازهای اقتصادی، ضعف فرهنگی و عدم احساس نیاز به سواد و کاربرد آن در زندگی خانواده‌های مهاجر با مشکلاتی مواجه شده است. این انجمن همچنین موفق به پیشبرد اهداف تعریف‌شده برای توسعهٔ دسترسی کودکان بازمانده از تحصیل مهاجر افغان به امر آموزش گردیده است. منظور از کودکان بازمانده از تحصیل، آن دسته از کودکانی است که به دلایل گوناگون از جمله سن بالا یا عدم اقامت قانونی در ایران یا عدم پرداخت شهریه نتوانسته‌اند در مدارس دولتی و غیرانتفاعی ایران تحصیل کنند.

علاوه بر انجمن حامی، نهادهای خیریه و خانه‌های کودکان کار (به‌خصوص در تهران) نیز به آموزش کودکان افغان کمک می‌کنند و با برگزاری کلاس‌هایی برای کودکان کار افغانی سعی

۵۷. گزارش نهایی طرح آموزش پایه برای زنان و کودکان مهاجر افغان در ایران، سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، انجمن حامی، قایل

دسترسی در:

<<http://hamiorg.org/wp-content/uploads/2014/08/gozaresh-amoozesh92-93.pdf>>

می‌کنند تا آموزش این کودکان را تا حد ممکن امکان‌پذیر سازند.^{۵۸}

به‌طور کلی، مشکلات کودکان کار افغان را می‌توان در چهار گروه طبقه‌بندی کرد:
- مشکلات اقتصادی؛ از قبیل فقر، درآمد کم خانواده‌ها، و بیکاری که علت اصلی پرداختن کودکان به کار است؛

- مشکلات اجتماعی؛ از قبیل اعتیاد، مهاجرت و پیامدهای آن، تبعیض در همه اشکال آن؛

- مشکلات فرهنگی؛ از قبیل ناآگاهی، بی‌سوادی، خشونت نسبت به کودکان، سوءاستفاده از کودکان به اشکال گوناگون؛

- مشکلات خانوادگی؛ از قبیل بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، خانواده‌های گسسته، تعداد زیاد فرزندان.

کودکان افغانی از نظر وضعیت فرهنگی و خانوادگی، شرایط نامناسب‌تری نسبت به کودکان ایرانی دارند و این تفاوت‌ها، ناشی از وضعیت خاص کودکان افغانی، به‌ویژه کودکانی است که از نظر اقامت در ایران مجوز قانونی ندارند.

و اما کودکان کار افغانی را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم‌بندی کرد:

- کودکانی که اقامت آنان در ایران قانونی است: این کودکان وضعیت مناسب‌تری نسبت به سایر گروه‌ها دارند؛

- کودکانی که مجوز اقامت قانونی در ایران را ندارند: این کودکان در شرایط دشواری به سر می‌برند؛

- کودکانی که پدر و مادر آنها افغانی است: این کودکان از نظر تابعیت مشکلات کمتری دارند؛

- کودکانی که یکی از والدین آنها ایرانی است: اگر پدر ایرانی باشد، این کودکان از نظر تابعیت مشکلات کمتری دارند اما اگر مادر ایرانی باشد از بخشی از حق هویت خود که

۵۸. از جمله مهم‌ترین مراکز غیردولتی و خیریه، مؤسسه حمایتی «خانه مهر کودکان» در تهران است که آموزش کودکان و نوجوانان

مهاجر و فاقد شناسنامه یا فاقد مدارک معتبر اقامتی را بر عهده دارد و سازمانی غیردولتی به شمار می‌رود. نک:

<http://www.mehrhous.com/?page_id=388>

داشتن ملیت و تابعیت است، به موجب قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، تا ۱۸ سالگی برخوردار نیستند و در نتیجه از بسیاری از حقوق خود محروم می‌شوند؛

- کودکانی که در ایران متولد شده و زندگی کرده‌اند و حتی افغانستان را هم ندیده‌اند؛

- کودکانی که با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند؛

- کودکان تک‌والد که با یکی از والدین خود، پدر یا مادر، به سر می‌برند؛

- کودکانی که با خانواده خود زندگی نمی‌کنند و زندگی جمعی دارند. این کودکان، یا

خانواده خود را از دست داده‌اند یا خانواده‌ای در افغانستان دارند. این کودکان بیشتر در سنین نوجوانی هستند.

گروه‌های مختلف کودکان کار افغانی هر کدام مشکلات خاص خود را دارند اما آنان که مجوز قانونی اقامت در ایران را ندارند، در واقع از بسیاری از حقوق اساسی خود مانند آموزش، امنیت، بهداشت، تأمین اجتماعی، بیمه، خدمات پزشکی محرومند.

مهم‌ترین مشکلات کودکان کار افغانی را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

- محروم بودن از حق آموزش و رفتن به مدرسه؛ حتی اگر کار طولانی و خسته‌کننده،

وقت و توانی برای درس خواندن باقی بگذارد، این کودکان نمی‌توانند از مدرسه استفاده کنند.

کودکانی که دارای کارت اقامت قانونی هستند، باید شهریه بپردازند که پرداخت آن برایشان دشوار است. به علاوه هزینه تهیه کتاب و لوازم التحریر را که چندان هم اندک نیست، باید به آن اضافه کرد؛

- محروم بودن از حق هویت؛ بسیاری از کودکان افغانی، یا شناسنامه ندارند یا به علت

ایرانی بودن مادر خود، تابعیت مشخصی ندارند که این وضعیت تا ۱۸ سالگی یعنی پایان

کودکی و نوجوانی آن فرد ادامه دارد. این محرومیت، تأثیرات زیانباری بر رشد روانیاجتماعی کودکان بر جای می‌گذارد.^{۵۹}

۳.۲. نقش یونیسف در آموزش کودکان افغان

یونیسف از اوایل دهه پنجاه، فعالیت خود را برای کودکان در ایران آغاز کرده است. در ابتدا، این سازمان و دولت ایران، همکاری خود را بر سلامت و تغذیه کودکان متمرکز کردند اما در سال‌های بعد، این همکاری گسترش یافت و برنامه‌هایی در زمینه آموزش، فعالیت‌های حمایتی، پیشگیری از ایدز، پایش حقوق کودک، و کاهش فقر کودکان به اجرا درآمد.

یونیسف در ایران بر اساس یک توافقنامه همکاری پایه با دولت جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند که این همکاری از طریق برنامه پنج‌ساله همکاری عملیاتی می‌گردد. دوره اجرای پنج‌ساله فعلی از سال ۲۰۱۲ میلادی آغاز شده است و در سال ۲۰۱۶ خاتمه می‌یابد. این برنامه کشوری با نگاهی مبتنی بر حصول اطمینان از استفاده همه کودکان از خدمات فراگیر، کاهش فقر، و ایجاد فرصت‌هایی برای نوجوانان و جوانان تدوین شده است.

برنامه‌های یونیسف از طریق مجموعه‌ای از شرکای دولتی، برخی سازمان‌های جامعه مدنی، رهبران مذهبی، پوهنتون‌ها و بخش خصوصی به اجرا در می‌آید. در عین حال یونیسف با سایر دفاتر سازمان ملل در چارچوب اولویت‌های توسعه همکاری سازمان ملل متحد (UNDAF) همکاری می‌نماید.

یونیسف، یکی از رسالت‌های خود را آموزش کودکان افغان در ایران قرار داده است و برای افزایش دسترسی کودکان پناهنده و مهاجر افغان به خدمات آموزشی با اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور ایران همکاری می‌کند. یونیسف همچنین برنامه‌هایی را در جهت ظرفیت‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد اجرا می‌کند که هدف آن بهبود خدمات ارائه شده توسط این سازمان‌ها به کودکان افغان است. این خدمات در راستای حمایت از کودکان و نوجوانان افغان در برابر خشونت، آزار و بهره‌کشی، و برای افزایش آگاهی عمومی و ایجاد اشتیاق برای زندگی، به آنان ارائه می‌شود.^{۶۰}

۶۰- آموزش کودکان افغان، دفتر یونیسف در ایران، قابل دسترسی در:

< http://www.unicef.org/iran/fa/children_youth_8162.html

۳.۳. آژانس پناهندگان سازمان ملل در ایران

دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (UNHCR) توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۰ تأسیس شد. با توجه به کنوانسیون ۱۹۵۱ در رابطه با وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ آن، آژانس موظف به رهبری و هماهنگی اقدامات بین‌المللی برای حفاظت از پناهندگان و حل مشکلات آنان در سراسر جهان است. کمیساریا در ایران، دفتر خود را در سال ۱۹۸۴ به منظور حمایت از پناهندگان افتتاح کرد. امروز کمیساریا دارای نمایندگی‌هایی در تهران، کرمان، مشهد و اهواز است و دفتر مرکزی آن در تهران قرار دارد.

این سازمان با هدف کسب اطمینان از احراز حق آموزش پناهندگان برای دسترسی به آموزش ابتدایی همگانی و ایجاد فرصت‌های افزایش‌یافته برای آموزش بعد از دبستان (متوسطه، آموزش‌های حرفه‌ای، غیررسمی)، با تمرکز ویژه بر روی دختران و با تمرکز بر برنامه چهارم توسعه پنج‌ساله ایران که پیش‌بینی ارتقاء کیفیت نظام آموزشی در تمام سطوح از اهداف آن است، فعالیت‌های متعددی را در موارد ذیل انجام داده است:

۱- ارائه کلاس‌های سوادآموزی برای آن دسته از پناهندگانی که نتوانسته‌اند به مدرسه

بروند؛

۲- ساخت مدارس در بسیاری از مناطق مسکونی پناهندگان؛^{۶۱}

۳- ارائه وسایل مدرسه و کیف‌های آموزشی در مدارس مناطق محروم که پناهندگان در

آن مشغول تحصیل هستند و تأسیس کتابخانه در برخی مناطق.^{۶۲}

همچنین باید از کشورهای ثالث از جمله آلمان، ژاپن و فرانسه نیز یاد کرد که از ابتدای مهاجرت افغان‌ها به ایران، در راستای حمایت از حقوق فرهنگی و بهداشتی مهاجرین، در قالب هدیه به دولت ایران کمک‌های بسیاری کرده‌اند و همکاری‌های متعددی را با کمیساریای سازمان ملل متحد در ایران، بخصوص در زمینه مسائل بهداشتی و آموزشی پناهندگان و

۶۱- آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد، «آموزش»، ۱۳۹۳/۶/۲۴، قابل دسترسی در:

<<http://www.unhcr.org/ir/fa/page/education>>

62- <http://hamiorg.org/?p=3304>

مهاجران افغان به عمل آورده‌اند.

۴. نتیجه‌گیری

حق آموزش یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر است و این حق، بخصوص در رابطه با کودکان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. حق آموزش، باید با سه مؤلفه «اجباری، رایگان و آزاد بودن آموزش» همراه باشد. آنچه در این مقاله بررسی شد، میزان رعایت این سه مؤلفه حق آموزش توسط دولت نسبت به حقوق آموزشی کودکان افغانی مقیم ایران بود. در این تحقیق، کودکان افغانی به سه دسته مهاجر قانونی، مهاجر غیرقانونی و مهاجر پناهنده تقسیم شدند. آنچه با توجه به قوانین و مقررات به دست آمد، این است که دولت ایران حق آموزش پناهندگان افغانی و مهاجرین قانونی را به رسمیت می‌شناسد و کودکانی که والدین آنها به صورت غیرقانونی در ایران اقامت دارند، حق تحصیل را در مدارس رسمی ایران ندارند. با این پیش‌فرض می‌توان گفت از آنجا که دولت حق آموزش را برای این دسته به رسمیت نمی‌شناسد، پس متعاقب آن سه مؤلفه حق آموزش نیز نسبت به این دسته از کودکان اعمال نمی‌شود.

کودکان افغان، بخصوص کودکان مهاجر غیرپناهنده، به خاطر پایین بودن سطح سواد والدین و عدم نظارت از سوی والدینشان، و همچنین به دلیل فقر مالی و یا مخالفت خانواده‌ها با تحصیل آنها و اجبار کودکان به کار و درآمدزایی از تحصیل محروم مانده‌اند و بسیاری از آنان بازمانده از تحصیل محسوب می‌شوند. با توجه به این شرایط است که بحث «اجباری بودن آموزش» به میان می‌آید. یعنی دولت باید با اجرای ضمانت اجرای کیفری یا مالی، والدین این دسته از کودکان افغان را به آموزش فرزندانشان و سوق دادن آنها به مدارس اجبار کند. اما همان‌طور که در تحقیق آمد، علی‌رغم وجود قانون «تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی»، دولت تا کنون چنین ضمانت اجرایی را حتی بر والدین خاطی اتباع خود نیز اعمال نکرده است. هر چند در سالیان اخیر از شمار اتباع ایرانی بازمانده از تحصیل کاسته شده است اما طبق سرشماری ۱۳۹۰، هنوز معضل کودکان بازمانده از تحصیل پابرجاست. با این حال، از آنجا که تعداد مهاجرین افغان بازمانده از تحصیل بالا است، جای آن دارد که

دولت ایران قوانین و مقرراتی را ویژه اجباری نمودن آموزش برای اتباع افغان در ایران تدوین کند و به این خلاء قانونی پایان دهد. مخصوصاً که ایران به اسناد بین‌المللی متعهد است که اجباری بودن آموزش را به‌ویژه برای کودکان، صرف نظر از موقعیت و نژاد آنها و بخصوص در مقطع ابتدایی الزامی می‌داند.

اما رویکرد ایران نسبت به مؤلفه «رایگان بودن آموزش» در قبال اتباع افغان مهاجر ایران که شامل پناهندگان و غیرپناهندگان می‌شود، یک رویکرد متغیر بوده است. این رویکرد، گاه به دریافت شهریه از مهاجرین قانونی و پناهندگان منجر شده است و گاه به معاف کردن آنها از پرداخت شهریه. در حال حاضر، طبق بخشنامه قائم مقام وزیر آموزش و پرورش در امور بین‌الملل، مصوب تابستان ۱۳۹۳، پناهندگان و مهاجرین قانونی که از کارت اقامت معتبر برخوردارند، از پرداخت شهریه معاف هستند.

اما نسبت به «آزادی آموزشی»، اتباع افغان حق تأسیس مدارس را در ایران ندارند و تنها در صورتی که پناهنده باشند یا اقامت قانونی داشته باشند، می‌توانند فرزندان خود را در مدارس دولتی یا غیرانتفاعی ثبت‌نام کنند. اما طبق مقررات، از ثبت‌نام فرزندانشان در مدارس سمپاد و مدارس فنی حرفه‌ای جلوگیری می‌شود. همچنین دانش‌آموزان افغانی از شرکت در مسابقات خارجی و المپیادها نیز محرومند. در صورتی که شایسته است که دولت چنین ممنوعیت‌هایی را بردارد و حق دسترسی به آموزش آزاد و برابری فرصت‌ها را حداقل برای آن دسته از کودکان افغان که به صورت قانونی در ایران حضور دارند، فراهم کند. نسبت به مسئله محتوای کتب درسی و آزادی محتوا نیز دولت ایران این آزادی را برای کودکان افغان به‌طور کامل فراهم نمی‌کند و آنها ملزم هستند که همان کتب دانش‌آموزان ایرانی را بخوانند و امتحان دهند. هرچند با توجه به اشتراکات فراوان فرهنگی، تاریخی، مذهبی و زبانی میان دو ملت ایران و افغانستان، محتوای دروس در دو کشور بسیار به هم شباهت دارد اما شایسته است که برخی از دروسی که در افغانستان به کودکان آموزش داده می‌شود، حداقل در مدارس که جمعیت افغان‌ها در آن زیاد است، نیز آموزش داده شود. همان‌طور که بیان شد حق آموزش و مؤلفه‌های آن تا حدی نسبت به مهاجرین قانونی و پناهندگان به رسمیت شناخته می‌شود

و کودکان مهاجر غیرقانونی تا سال‌های اخیر یا در مدارس زیرزمینی و خودگردان تحصیل می‌کردند یا بازمانده از تحصیل می‌شدند، اما در سال‌های اخیر برخی از خانه‌های کودکان کار در بعضی شهرها و انجمن حمایت از کودکان و زنان پناهنده در شهرهای تهران و خراسان رضوی، موجبات تحصیل قشر وسیعی از کودکان بازمانده از تحصیل را فراهم آورده‌اند. در یک ارزیابی نهایی، ایران به تعهدات خود نسبت به آموزش کودکان پناهنده و مهاجر قانونی در حد مقبولی عمل کرده است و شایسته است که این حمایت‌ها و کمک‌ها را نسبت به آموزش کودکان غیرقانونی مقیم در ایران نیز تا حدی تعمیم دهد یا به نحوی آموزش این‌گونه افراد را نیز در برنامه‌های آموزشی رسمی دولت قرار دهد.